

مسئولیت مدنی مبتنی بر عدالت توزیعی در حقوق ایران

حجت نصر کن^۱، بابک محمد رضاپور اوزان^۲، یوسف مولایی^۳

^۱ دانشجوی تخصصی حقوق خصوصی ، دانشگاه آزاد سایت سه

^۲ استادیار پایه ۶ ، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

^۳ استادیار ، عضو عیث علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

نام نویسنده مسئول:

حجت نصر کن

چکیده

مسئولیت مدنی و عدالت خواهی که در کنار آن توزیع عدالت در جامعه به شکل صحیح از مباحث عدالت اجتماعی در جامعه می باشد تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است مسئولیت مبتنی بر تقصیر در پاسخگویی در برخی زمینه ها از جمله مسئولیت مدنی دولت در قبال شهروندان در برخی موارد انعکاس هایی در خصوص عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی مشاهده می شود اما اساس مسئولیت مدنی همچنان بر اساس نظریه تقصیر استوار است. تقسیم و توزیع مساوی تقصیر میان چند عامل مشترک که درجه تقصیر آنها مشخص نیست و همچنین مسئولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی، از مهمترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران است در حقیقت یافته های این مقاله بر این حاکمیت در حقوق ایران تراز توزیع به دلیل فقدان های کارآمد صحیح توزیع نمی شود در مواردی نیز می توان از دیدگاه فقهی به تساوی موارد قانونی اشاره کرد چرا که قانون مدنی برپایه حقوق شهروندی و همینطور در زمینه ی حقوق پایه ای از دیدگاه فقهی نیز باشد

واژگان کلیدی: عدالت توزیعی، مسئولیت مدنی، درجه تقصیر، توزیع مساوی تقصیر، درجه تقصیر

مقدمه

ایجاد ارزش‌های نو در حقوق مسئولیت مدنی باعث تحولاتی شده است که ریشه اصلی همه ارزش‌ها و تحولات، لزوم مصالح اجتماعی و عدالت در اجرای اصول حقوقی و قوانین است. مصادیق عدالت به تناسب شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند و تغییر شرایط زندگی اقتصادی سبب دگرگونی روابط اجتماعی می‌شود. در حقوق مدنی ایران، می‌توان در چند مورد تاثیر عدالت توزیعی بر مسئولیت مدنی را تبیین کرد. یکی مورد اسباب اجتماع در وقوع خسارت است. یکی از مهمترین مسائل در حوزه مسئولیت مدنی، مسأله اجتماع اسباب در وقوع خسارت است زیرا بسیاری از حوادث زیانباری که اتفاق می‌افتد معلول چند عامل یا سبب است و تعیین سبب مسئول از میان این اسباب کار دشواری است. از این‌رو، تقسیم مسئولیت به تساوی و مطالبه خسارت از تمام اسباب مجمل با قطع و یقین به اینکه چند سبب در وقوع زیان نقش داشته‌اند، به نحوی که ضرر از مجموع این اسباب و شرایط حاصل شده و وجود رابطه سببیت بین همه آن اسباب و ضرر ایجاد شده است و با توجه به دخالت همه اسباب در وقوع ضرر، ترجیح یکی از آنها بر دیگری ترجیح بلامرجه و فاقد توجیه می‌باشد، باید همه اسباب مذکور را مسئول دانست و جبران خسارت را بر عهده همگی آنها گذاشت. علاوه بر این در قانیهون بیمه اجباری، صندوق تامین خسارت بدنی بر حسب عدالت توزیعی در مواردی مشخص، پرداخت خسارت بر عهده گرفته است که مصداق باز تاثیر عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی است. در این مقاله تلاش شده، موارد و مصادیق مسئولیت مدنی مبتی بر عدالت توزیعی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۲- عدالت توزیعی و مبنای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی

در این میحث تلاش شده، عدالت توزیعی و مبنای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی در حقوق موضوعه مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- توزیع خسارت به صورت تساوی

مقنن ایرانی در ماده ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی اشتراک در مسئولیت به تساوی را پذیرفته است. این ماده قانونی از متون فقهی و نظرات فقهای امامیه (نظر مشهور) گرفته شده است. نکته حائز اهمیت این است که فقهای اسلامی مثالهای مورد نظر را بیشتر طوری انتخاب کرده اند که تاثیر هر یک از اسباب در نتیجه زیانبار بطور مساوی بوده است، بنابراین طبیعی است که حکم قضیه نیز همان خواهد بود. ظاهراً قانون مجازات اسلامی (در ماده ۳۶۵) حکم موردی را بیان می‌دارد که، تاثیر هر یک از سبب ها بطور مساوی است بنابراین مسئولیت هم بنحو مساوی تقسیم می‌گردد. نتیجه ی این تحلیل این خواهد بود که ماده ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی در موردی که تاثیر هر یک از اسباب متفاوت باشد ساکت است.

با بررسی منابع مختلف فقهی و توجه به نظریات تحلیلی فقها، میتوان دریافت که توزیع خسارت بر اساس تساوی عددی اسباب، رویکرد نظر مشهور آنها می‌باشد و اگر ایرادات وارد بر معیارهای دیگر را نیز در نظر آوریم و توجه داشته باشیم که آن معیارها، به طور جزئی مطرح نشده اند بلکه ظنی و احتمالی هستند، ارزش معیار تساوی بهتر درک می‌شود. برای روشن شدن این ادعا، بهتر است به برخی از منابع فقهی اشاره شود. فخر المحققین پس از نقل کلام علامه در مورد دخالت سه نفر در خراب کردن دیوار و کشته شدن یکی از آنها قول اقرب که یک سوم دیه مقتول را عهده هر کدام از دو نفر دیگری داند، می‌گوید: «و وجه القرب انه تلف بفعله و بفعل الاخرین فیسقط ما قابل فعله و الا لزم ان یضمن الشریک فی الجنایة جنایة شریکه و هو محال و هو الا قوی عندی» صاحب کتاب «مفتاح الکرامه» در موردی که دو شخص ، طنابی را می‌کشند و یکی از آنها، در اثر پاره شدن طناب ، سقوط کرده و کشته میشود حکم به پرداخت نیمی از دیه می‌دهد (مشروط بر اینکه مقتول ، غاصب طناب نباشد که در این صورت نه تنها مسئولیتی نیست بلکه ضامن خسارات مالک هم خواهد بود) و می‌گوید: «وضعیت کسانی که چیزی را میکشند مانند وضعیت کسانی است که تصادم می‌کنند زیرا خسارت و تلف به دلیل جنایت هر دو است و بر عهده هر یک از آنها یا عاقله آنها، نصف دیه طرف خواهد بود... و هیچ فرقی بین آنها از حیث تساوی در محل ایستادن یکی کنار پرتگاه و دیگری در جای دیگر و بین قوت و ضعف آنها همان طور که در مورد تصادم کنندگان گفته شد وجود ندارد». در کتاب «کشف اللثام» نیز هر چند بیان شده است که احتمال توزیع خسارت بر اساس «قدر عمل» وجود دارد اما در مجموع به تساوی مسئولیت قائل شده اند.

مطالعه مفهوم رابطه سببیت و تقصیر که بعدها مبنای تقسیم مسئولیت قرار گرفت، ثابت می‌کند که نظریه تساوی مسئولیت می‌تواند مبنای عقلی و منطقی داشته باشد و چنان که گفته شد، در حال حاضر نیز دادگاه های فرانسه در خصوص تصادم دو نفر که به هر دوی آنها زیان وارد شده است، از این روش پیروی می‌کنند. واقعیت آنست که با توجه به اینکه رابطه سببیت یک مفهوم مادی نیست که با ابزار و تجزیه و تحلیل های مادی بتوان آن را مشخص کرد، تعیین آن از مشکلات مسئولیت مدنی است و تعیین میزان تاثیر هر یک از عوامل زیان، موضوعی به مراتب دشوارتر است. راه حل هایی که ارائه شده اند، نیز ظنی هستند و با هیچ معیاری نمیتوان به طور قطع ثابت کرد که مثلاً شخص الف ۷۵ درصد در وقوع زیان مؤثر بوده و شخص ب ۲۵ درصد. بلکه در عمل ، عوامل دیگری همچون عدالت و انصاف و دیگر اهداف و انگیزه های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی مبنای تقسیم مسئولیت قرار گرفته و در تعیین میزان مسئولیت مؤثرند، چنان که در حال حاضر نیز همین نظر در کشورهای غربی حاکم است؛ یعنی دادگاه ها بر مبنای عدالت و انصاف میزان مسئولیت هر یک

از عاملان زیان را معین می کنند. براین اساس، برای جلوگیری از اعمال سلیقه و به ویژه در کشورهایی که انصاف جایگاه مهمی در استنباط احکام ندارد (مانند کشور ما)، تساوی مسئولیت، عادلانه ترین و کم اشکال ترین راه حل به نظر می رسد.

۲-۲- توزیع عادلانه خسارت حسب درجه تقصیر

در حقوق ایران تقسیمات تقصیر بر حسب شدت و ضعف درجه ی تقصیر مبنائی ندارد زیرا تقصیر به هر درجه ای که باشد ایجاد مسئولیت می کند. بنابراین تقصیر سنگین به همان اندازه ای ایجاد مسئولیت خواهد کرد که تقصیر سبک و بسیار سبک ایجاد می کند. در تائید این نظر می توان گفت چون در حقوق ما به جبران زیان های بیشتر توجه شده است و هدف جبران خساراتی است که به زیان دیده وارده شده است شدت و ضعف تقصیر تاثیری در میزان مسئولیت نخواهد داشت چرا که میزان مسئولیت باید با میزان زیان های وارده تناسب داشته باشد. لذا به عنوان یک قاعده می توان پذیرفت که درجه ی تقصیر در میزان مسئولیت موثر نمی باشد اما در مسئولیت های مبتنی بر تقصیر وجود تقصیر شرط استقرار مسئولیت است و با انتفای آن مسئولیت نیز منتفی می گردد لیکن از آنجائیکه تقصیر ممکن است خسارات سنگین به بار بیاورد میزان مسئولیت به اندازه خسارات وارده خواهد بود.

در پاره ای از موارد نیز قانونگذار به درجه ی تقصیر توجه داشته است مثلاً مطابق بند ۲ ماده ی ۴ قانون مسئولیت مدنی که مقتبس از بند ۲ ماده ی ۴۴ قانون تعهدات سویس است. «هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده شود دادگاه می تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.

ماده ی ۱۶۵ قانون دریائی مصوب ۱۳۴۳ نیز به شدت و ضعف تقصیر توجه داشته و مقرر می دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر زده است. معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیری با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین بنظر یکسان برسد طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود ...».

در پاره ای از موارد نیز به غلط مرتکب تقصیر سنگین را مسئول دانسته اند و طرف دیگر را که تقصیر سبک تری نسبت به او مرتکب شده است از مسئولیت معاف می دارند. این شیوه به ویژه در تصادفات رانندگی رایج بوده و کارشناسان و افسران راهنمایی و رانندگی از همین رویه استفاده می کنند.

به نظر می رسد که درحقوق ایران با توجه به اصول و قواعد کلی موجود در حقوق اسلامی، علی القاعده درجه ی تقصیر را نباید در میزان مسئولیت تاثیر داد و پاره ای از مقررات موجود را به عنوان یک قاعده ی خاص تلقی نموده و در مواردی که صریحاً اجازه داده شده است از آنها استفاده نمود بنابراین شیوه ی متداول در میان افسران راهنمایی و رانندگی یک شیوه ی غلطی است و با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد، البته اگر فقط یکی از طرفین مقصر باشد در مسئولیت او تردیدی وجود ندارد.

برخی از فقهای معاصر در خصوص تقسیم خسارت به درجه تقصیر اسباب نظر دارند. برای مثال، در پاسخ به این سؤال که برای تعیین مسئولیت کارفرما و کارگر آیا درجه تاثیر باید ملاک عمل قرار گیرد یا درجه تقصیر؟ گفته می شود: «ظاهراً به نسبت تقصیر باید محاسبه شود چون تقصیر و بیمبالاتی، خود موجب ضمان است و در نتیجه کارفرما به نسبت ۶۰ درصد مقصر است و اگر این تقصیر را کارفرمانکرده بود خطر ۴۰ درصد بیشتر نبود. بنابراین می توان گفت که تاثیر بیشتر هم مربوط به کارفرما است که مانع را به وجود نیاورده است. در مورد حوادث رانندگی و اعلام نظر کارشناس مبنی بر درصدهای متفاوت تقصیر راننده و زیان دیده نیز به تقسیم زیان بر اساس درجه تقصیر نظر داده اندومی گویند: «چون باب ضمان است و اصل ضمان و ضامن نسبت به انسان و اعضای او عقلایی است، گرچه مقدار ضمان به عنوان دیه در برخی از موارد تعیین شده، بناء علی هذا، نسبت سنجی در ضمان ها مانعی ندارد».

متداول ترین روش برای تقسیم مسئولیت در نظام های حقوقی غربی، تقسیم بر مبنای درجه تقصیر بوده است که هنوز هم طرف داران زیادی دارد. شاید بتوان گفت پس از آنکه تساوی مسئولیت کنار نهاده شد، اولین معیاری که برای تقسیم مسئولیت در نظر گرفته شد، درجه تقصیر بود. در این روش، به هر میزان که درجه تقصیر عاملان زیان شدیدتر باشد، مسئولیت بیشتری در قبال زیان ایجاد شده دارند و میزان بیشتری از خسارت ایجاد شده را باید جبران کنند. این معیار در حقوق انگلیس از سال ۱۹۱۱م در خصوص تصادم دو کشتی مقرر گردید. و تا سال ۱۹۴۵م که «قانون اصلاح تقصیر مشترک» تصویب شد و معیار «عدالت و انصاف» را برای تقسیم مسئولیت مقرر کرد، وجود داشته و معیار اصلی تقسیم مسئولیت بوده است. درحقوق امریکا نیز با طرح نظریه «تقسیم مقایسه ای» این روش برای تقسیم مسئولیت پذیرفته شد.

در حقوق ایران نیز بند الف ماده ۱۶۵ قانون دریایی در زمینه زیان های ناشی از تصادم دو کشتی از این معیار پیروی کرده که به نظر می رسد این قانون از قانون دریایی انگلیس اقتباس شده است.

در خصوص شیوه و چگونگی ارزیابی درجه تقصیر نظریه های متفاوتی وجود دارد. در برهه ای از زمان که نظریه شخصی تقصیر حاکم بود، درجه تقصیر بر مبنای میزانی که شخص قابل سرزنش بود تعیین می شد؛ یعنی هرچه شخص بیشتر قابل سرزنش بود، درجه تقصیر او شدیدتر می شد. اما با پذیرش مفهوم نوعی تقصیر، به هر میزانی که شخص از رفتار یک فرد متعارف تخطی می کرد، مقصرتر و تقصیر او شدیدتر بود؛ هرچند به لحاظ شخصی قابل سرزنش نبود. معیار اخیر طرف داران بیشتری دارد.

اما با وجود همه این تلاش ها و سعی در جهت استقلال معیار «درجه تقصیر» در کنار «رابطه سببیت»، به هنگام تعیین میزان درجه تقصیر، قضات به سمت رابطه سببیت متمایل می شدند و ناخودآگاه تقصیری را شدیدتر می دانستند که در ایجاد زیان یا ایجاد خطر وقوع آن مؤثرتر و به اصطلاح خطرآفرین تر بود.

بر معیار تقسیم مسئولیت بر مبنای درجه تقصیر انتقادهای و ایرادهای زیر وارد شده است: نخست اینکه این راه حل، جامع نیست و تمام صورت های مسئولیت مدنی را در بر نمی گیرد. زیرا در حال حاضر که مسئولیت های بدون تقصیر بسیار گسترش یافته است، چگونه می توان از این معیار برای تعیین سهم مسئولیت هریک از عاملان زیان استفاده کرد.

برای مثال در حقوق ایران در صورتی که زیان دیده یا عامل زیان مباشر وقوع زیان است، در فرضی که تقصیری مرتکب نشده باشد، سهم وی بر مبنای درجه تقصیر قابل تعیین نیست. افزون بر این، در فرضی که مسئولیت عامل زیان نوعی است، حتی تقصیر سبک زیان دیده موجب محرومیت کامل او از جبران خسارت می شود که عادلانه نیست.

دوم، مطالعه متون حقوقی و رویه قضایی در کشورهای خارجی که از این معیار پیروی کرده اند، ثابت می کند که دادگاه ها در بیشتر مواقع برای تعیین درجه تقصیر، به رابطه سببیت و میزان تأثیر فعل هر کدام در ایجاد زیان رجوع می کنند؛ یعنی تقصیری را شدیدتر می دانند که با تحقق آن، احتمال وقوع زیان یا خطر وقوع آن بیشتر باشد.

براین اساس، این شیوه به روش «تقسیم مسئولیت بر مبنای تأثیر فعل هر کدام» نزدیک می شود و هر قدر به استقلال این روش در کنار روش رابطه سببیت اصرار شود، باز هم نمی توان آن دو را به طور کامل از یکدیگر جدا دانست. به ویژه اینکه اگر میان تقصیر شخص و زیان ایجاد شده رابطه سببیت وجود نداشته باشد، نمی توان به تقصیر استناد کرد و عامل آن را مسئول دانست. بنابراین نمی توان برای این معیار در کنار رابطه سببیت استقلال قائل شد.

سوم، مفهوم «تقصیر» در صورتی که «تقصیر زیان دیده» به عنوان یکی از اسباب زیان در کنار عامل یا عاملان زیان مطرح باشد، با «تقصیر عامل زیان» متفاوت است. زیر در خصوص زیان دیده، صحبت از تقصیر او در برابر خودش، اما در مورد عامل زیان، تقصیر او نسبت به دیگران است، و معیار اندازه گیری و تشخیص این دو متفاوت است. در واقع افزون بر اینکه بیشتر نویسندگان معتقدند که نمی توان از تقصیر شخص در برابر خود سخن گفت، بر فرض قبول تقصیر زیان دیده نسبت به خود، گفته شده که معیار تقصیر زیان دیده نسبت به خود، به نسبت تقصیر شخص به معنای عام، بسیار شخصی تر است.

به عبارت دیگر، درحالی که در مسئولیت مدنی، به معنای عام، مفهوم نوعی تقصیر حاکم است، تقصیر زیان دیده نسبت به خود، بیشتر به معنای شخصی آن توجه دارد؛ به همین دلیل اگر زیان دیده کودک یا مجنون باشد، از تقصیر زیان دیده سخن گفته نمی شود. براین اساس، با وجود دو معیار مختلف برای ارزیابی و تشخیص دو نوع تقصیر، مقایسه آن دو و تعیین شدت و ضعف (سنگین و سبک بودن) آن دو مشکل است.

چهارم، ایراد سنتی و مبنایی که بر این معیار وارد شده، اینست که وقتی صحبت از درجه تقصیر می شود، اگر بخواهیم آن را به طور مستقل ارزیابی کنیم، باید درجه آن را به میزانی که شخص قابل سرزنش است، معین کنیم؛ خواه نظریه شخصی تقصیر را به کار ببریم یا معیار نوعی آن را. در این صورت، این اشکال وارد است که هدف از مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان دیده است، نه مجازات عامل زیان، تا به هر میزان که عامل زیان بیشتر قابل سرزنش باشد، مسئولیت بیشتری داشته باشد. به هر حال، ایرادات وارد بر این راه حل، موجب طرح معیار دیگری از سوی رویه قضایی و دکتربین شده است که معیار «رابطه سببیت» نامیده می شود.

۳-۲- توزیع خسارت حسب انصاف

تأثیر انصاف در مبانی حقوقی مسئولیت مشهود است؛ برای مثال پیروان نظریه ایجاد خطر می گویند در صورت به وجود آمدن خسارت ما با دو شخص روبه رو هستیم که یکی مرتکب فعل زیانبار است و دیگری زیان دیده. اگر عامل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، روشن است که باید خسارت زیان دیده را جبران نماید، اما اگر وی مرتکب تقصیر نشده باشد، با دو شخص بیگانه روبه رو هستیم که حادثه زیان دیده را انتخاب کرده است. اما حقوق این بی عدالتی را نمی پذیرد و انصاف حکم می کند که عامل زیان را انتخاب کنیم؛ زیرا که وی مرتکب فعل زیانبار شده، در حالی که زیان دیده نقشی در وقوع خسارت نداشته است.

از سوی دیگر غالباً زیان دیدگان از طبقات فقیر جامعه بودند و عاملان زیان از ثروتمندان و فرایند دادرسی برای زیان دیدگان هم سخت و پیچیده بود و هم این که توان مالی چنین دادرسی را نداشتند. برای مثال، چنانچه کارگران می خواستند چنین دعوای مسئولیت مدنی را علیه کارفرما طرح کنند ممکن بود حتی با اخراج مواجه شوند و همین مقدار کم حقوق را نیز از دست دهند. این امر از آن جهت هم منصفانه است که بگوییم عامل زیان از این محیط خطرناک سود می برد، پس او هم باید خسارتهای وارد را جبران کند؛ موضوعی که سابقه فقهی هم دارد: «من له الغنم فعليه الغرم»؛ یعنی خسارت هر کاری را کسی متحمل می شود که سود آن کار برای او است. وانگهی، محدود شدن خسارات قابل مطالبه در نظامهای مبتنی بر مسئولیت محض یکی از مصادیق انصاف است، زیرا در این مسئولیت ها نیازی به اثبات تقصیر نیست و اگر میزان خسارات قابل مطالبه نامحدود باشد پرداختن به آن فعالیت که

ممکن است فواید بسیاری داشته باشد به صرفه نباشد و عاملان زیان بالقوه را در تنگنا قرار داده، با خطر ورشکستگی روبه رو کند، در حالی که حقوق مسئولیت مدنی باید در نقطه ای که می توانیم آن را نقطه تعادل بنامیم حقوق زیان دیدگان و واردکنندگان زیان را با هم جمع کند.

یکی دیگر از مصادیق انصاف را می توان در امکان تعدیل وجه التزام مشاهده کرد. برخی اعمال ماده ۴ مسئولیت مدنی را در مسئولیت های قراردادی و حتی در خصوص خسارت توافقی قراردادی نیز قابل اعمال دانسته اند. قاضی می تواند برای ایجاد تعادل میان طرفین قرارداد زمانی که اجرای توافق یا به طور دقیق تر شرط کیفری، یک موقعیت آشکارا غیرمنصفانه به وجود آورد، به کاربرد اصلاحی انصاف توسل جوید. این اختیار به شخصی سازی مقرر قانونی کمک می کند، زیرا که قاضی باید عناصر هر مورد را مورد توجه قرار دهد. اختیار تعدیل نه تنها در زمینه تجدیدنظر در شروط کیفری، بلکه در زمینه اعطای مهلت در پرداخت دین نیز وجود دارد. از سوی دیگر، اگر تعهد اصلی موضوع قرارداد تجزیه پذیر بوده، از اجرای بخشی از آن، سودی عاید طلبکار شده است، در این صورت، تبعیت از قصد مشترک طرفین و نیز عدالت و انصاف اقتضا می کند که وجه موضوع شرط کیفری به نسبت انتفاعی که متعهدله از اجرای بخشی از قرارداد برده است، تعدیل شود. البته تعدیل وجه التزام در این مورد بر مبنای نظریه سوء استفاده از حق نیز قابل توجیه است.

در حقوق ایران مبنای اصلی مسئولیت مدنی نظریه تقصیر است. این نظریه بسیار قدیمی است و پاسخگوی نیازهای جدید در برخی حوزه ها از قبیل محیط زیست نیست. این نظریه، سنتی ترین نظریه در مسئولیت مدنی است. بر این اساس خسارات در بعضی ها حوزه ها از جمله موارد زیست محیطی قابل مطالبه نیست مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بنابراین زیان دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود. این نظریه که تقریباً رویکرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران است با مبنای و فلسفه حقوق محیط زیست فاصله دارد. هرچند نظریه تقصیر در برقراری در رابطه سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می کند ولی نمی تواند مبنای جامعی باشد. درواقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات از جمله در مسایل زیست محیطی را دشوار می نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی بر خلاف سایر حوزه ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکثر آلوده کنندگان یا «آلوده کنندگان متعدد»، انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است. نظریه تقصیر در همه موارد از جمله مسئولیت مدنی نهادهای و سازمان های دولتی پاسخگوی مسئولیت مدنی نیست. نظریه تقصیر، مبنای مناسبی برای مسئولیت محسوب نمی شود و باید از نظریه های بدون تقصیر در این راه استمداد نمود و در مرحله بعد یعنی در رجوع دولت به کارمند خاطی از نظریه تقصیر استفاده نمود و در مرحله بدوی یعنی جبران خسارت زیان دیده باید بدون توجه به عامل و مورد زیان با توجه به بودجه اختصاص داده شده به آن، خسارت زیان دیده جبران شود.

به نظر می رسد، جای خالی این دو نظریه در حقوق مسئولیت مدنی ایران احساس می شود: نظریه تضمین حقوق و نظریه مسئولیت محض. امروزه برای مسئولیت مدنی در بسیاری از موارد از نظریه های جدید تری مانند نظریه تضمین حق و نظریه محض استفاده می شود. حقوقدانان مشهور فرانسوی بوریس استارک این نظریه را ارائه کرده است. او برخلاف و اضعان و طرفداران نظریه های تقصیر و خطر به منافع از دست رفته زیان دیده و حقوق بنیادین او عنایت داشته و همت خویش را در تضمین حقوق زیان دیده مصروف داشته است. طبق این نظریه حق انسان بر تمامیت جسمانی خود و نزدیکی خود و حق شخصی بر تمامیت مادی اموال و حق برخورداری از فرض برداشت از جمله حقوق بنیادین افراد است. در صورت تجاوز به این حقوق، دولت موظف است به کمک قربانی بشتابد زیرا دولت موظف بود که امنیت لازم را برای حفظ این حقوق در جامعه فراهم کند و در صورت تجاوز فرض بر این است که دولت نتوانسته زیان دیده را در مقابل این گونه جرائم حمایت کند لذا خود باید مستقیماً جبران خسارت را بر عهده گیرد و آنگاه خود برای استرداد آنچه به قربانی پرداخت کرده است متهم و یا شخص مقصر را تحت تعقیب قرار دهد. در نظام های پیشرفته مخصوصاً در کشورهای نیوزیلند و انگلیسی و آلمان و فرانسه این نظریه طرفداران زیادی دارد. مثلاً در انگلستان طرح جبران خسارت ناشی از جرایم خشن مستقیماً بر عهده دولت قرار می گیرد، تأسیس صندوق های کمک به قربانیان تروریستی مطابق قانون سال ۱۹۸۶ فرانسه و نیز صندوق های کمک به قربانیان جرایم در فرضی که مقصرین یا مجرمین از تعقیب می گریزند یا معسر هستند از نتایج این بینش است. این نظریه را می توان به نوعی بعنوان نظام های جایگزین مسئولیت مدنی قلمداد نمود زیاد با توجه به قواعد مرسوم نظام مسئولیت مدنی (رابطه سببیت) حقوق بنیادین بسیاری از افراد جامعه بلاجبران باقی می ماند لذا این نظریه در مواردی بدون توجه به قواعد مرسوم مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده را لازم می داند. در حال حاضر تنها کشوری که نظام مسئولیت مدنی جبران خسارت مدنی را الغاء و نظام عامی را برای خسارات زیان دیدگان هر نوع حادثه برقرار کرده است کشور نیوزیلند است تدوین کنندگان طرح الغای حق طرح دعوا بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی و جایگزین آن با طرح و جبران خسارت بدون تقصیر تحت نظر دولت را مبتنی بر قرارداد اجتماعی بین دولت و مردم نیوزیلند می دانند. در حقوق ایران نیز طبق قواعد اسلامی (خون مسلم نباید هدر برود) هر جا که عامل جنایت شناسایی نشود و یا عامل جنایت توان مالی برای جبران خسارت نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود مواد ۲۵۵ و ۲۶۰ و ۳۱۳ ق.م.ا از مصادیق بارز حمایت از حقوق بنیادین به شمار می روند.

مسئولیت محض در مواردی مثل تجاوز به حقوق و منافع زیان دیده یا بهره‌برداری غیرمجاز از مال دیگری است که نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و عامل زیان مسئول تلقی می‌گردد، می‌گویند مسئولیت محض وجود دارد. در کتاب الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مطلق و محض به یک معنی به کار برده شده است. مراد از مسئولیت مطلق، مسئولیت نسبت به وجود یا عدم تقصیر مطلق است و طبق آن فرد مسئول شناخته می‌شود مگر آن که عدم تقصیر خود را ثابت نماید. مراد از مسئولیت محض، مسئولیت بدون اثبات تقصیر است که در حقوق امریکا و انگلیس برای حمایت از منافع اجتماعی در موضوعاتی مثل: ضمان ناشی از نگهداری حیوانات وحشی، ضمان مالکان، ضمان قراردادهای صنعتی و ضمان ناشی از محصولات غذایی، اعمال می‌گردد. آن گونه که از آثار نویسندگان برمی‌آید واژه «مسئولیت محض» با واژه‌های «مسئولیت مطلق»، «مسئولیت عینی» و «مسئولیت موضوعی» مترادف است. ولی در برخی از آثار بین مسئولیت مطلق و محض تفاوت نهاده شده و آورده‌اند: «مبنای مسئولیت مقرر در دستورالعمل مصوب ۲۰۰۴ اروپا مطلق نیست بلکه مسئولیت محض است».

راه مطالبه خسارت در مسئولیت مطلق، فقط اثبات استناد زیان به عامل زیان است و نیازی به اثبات تقصیر نیست.

۳- عدالت توزیعی در صندوق تامین خسارت بدنی

مسئولیت صندوق تامین خسارت بدنی، از مهمترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران است یکی از مهم ترین و پرکاربردترین نهادهای حمایتی که در کنار قانون بیمه اجباری در جبران خسارت نقش به سزایی ایفا می کند نهاد صندوق تامین خسارت های بدنی است. صندوق تامین که در سال ۱۳۴۷ با تصویب قانون بیمه اجباری در جبران خسارت نقش به سزایی ایفا می کند نهاد صندوق تامین سزای آن در جبران خسارت زیان دیدگان حوادث رانندگی هیچ‌گاه آنگونه که شایسته است مورد تحلیل و بررسی حقوقدانان قرار نگرفت. از همین رو نظر به تصویب قانون جدید بیمه اجباری مصوب ۹۵ و تغییرات حائز اهمیتی که در عنوان و مبانی این قانون نسبت به قوانین سابق صورت گرفت مقررات مربوط به صندوق تامین خسارتهای بدنی که در بخش سوم این قانون بیان شده است نیز دستخوش تغییراتی گردید. صندوق نهادهای عمومی غیر دولتی است که در راستای عدالت توزیعی وفق ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری ۹۵ منابع مالی آن از راههایی از جمله: درصدی از حق بیمه اجباری موضوع این قانون، مبالغ وصولی از اشخاص فاقد پوشش بیمه نامه، درصدی از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی و ... تامین می‌گردد. لازم به ذکر است مطابق با تبصره ۳ همین ماده دولت موظف است در صورت کمبود منابع مالی صندوق، در بودجه ی سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تامین نماید. از جمله تغییرات حائز اهمیت قانون بیمه اجباری در وهله‌ی نخست تغییر عنوان قانون از «بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» در سال ۸۷ به «بیمه‌ی اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث» در سال ۹۵ بود. در این مبحث تلاش شده است موارد مسئولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی به عنوان یکی از مصادیق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی بررسی شود.

۳-۱- موارد مسئولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی

بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله‌ی نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» جبران می شود. همانگونه که از ماده فوق دریافت می‌شود موارد صلاحیت صندوق با اندک تغییرات حائز اهمیتی همان مواردی است که در قانون ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده بود و این موارد شامل: فقدان بیمه، بطلان عقد بیمه، تعلیق تأمین، شناخته نشدن وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه، صدور حکم توقف یا ورشکستگی و به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه، مطابق با مقررات این قانون می‌باشند.

۳-۲- فقدان یا انقضای بیمه نامه

به موجب ماده ۲ قانون بیمه‌ی اجباری ۱۳۹۵ کلیه دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی مکلف شده‌اند تا مسئولیت مدنی ناشی از حوادث وسایل نقلیه خویش را نزدیکی از شرکت‌های بیمه مجاز به انجام فعالیت بیمه‌ای از جانب بیمه مرکزی ایران بیمه نمایند. ماده ۲ اشعار می دارد: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

با این حال باز هم شماری از رانندگان بدون داشتن بیمه‌نامه به رانندگی می‌پردازند و از این حکم و الزام قانونی پیروی نمی کنند. حال اگر در چنین وضعیتی موجب ایجاد حادثه رانندگی گردند، بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه‌ی اجباری صندوق موظف به جبران خسارت‌های بدنی اشخاص ثالث می‌گردد.

حمایت از زیاندیدگان سوانح رانندگی که وسیله مسبب حادثه دارای بیمه نامه معتبر نبوده و یا مهلت و مدت بیمه نامه وسیله به اتمام رسیده باشد از جمله موارد داخل در تعهدات بوده و قابل حمایت می باشد ولیکن باید توجه داشت که فقدان پوشش بیمه نامه یا انقضاء آن مستندا به صراحت ماده ۲۵ این قانون ، از جمله موارد قابل باز یافت از مقصر یا همان مسبب حادثه می باشد. (بند الف ماده ۲۵)

۳-۳-۳- بطلان قرارداد بیمه

صرف نظر از شرایط اساسی صحت معاملات مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، بر اساس قانون بیمه شرایط خاصی برای اعتبار قرارداد بیمه در نظر گرفته شده است که عدم رعایت آن ها می تواند منجر به بطلان این قرارداد گردد. بر این اساس موارد بطلان قرارداد بیمه اجباری را می توان در این ۳ مورد خلاصه کرد که این مورد نیز وفق بند الف ماده ۲۵ قابل باز یافت از مسبب حادثه می باشد.

۱-۳-۳-۳- عدم رعایت اصل حسن نیت

مهم ترین اصل حاکم بر قراردادهای بیمه اصل حسن نیت است، زیرا بر خلاف سایر قراردادها که طرفین پاره ای از اطلاعات را از طریق بررسی و مشاهده عینی به دست می آورند، در عقد بیمه این اطلاعات بر اظهارات و تصورات طرفین استوار است و چون احتمال خطر بر مبنای آن ها محاسبه می شود لذا می بایست به درستی و به میزان لازم در اختیار طرفین قرار گیرد. بر همین اساس است که ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ عدم رعایت اصل حسن نیت را موجب بطلان عقد بیمه دانسته است. از آنجا که در خصوص این اصل در بخش مربوطه به طور مفصل بحث کرده ایم لذا در این جا از تکرار مطالب مشابه اجتناب می نماییم.

۲-۳-۳-۳- عدم رعایت اصل غرامت

یک تعریف قابل قبول از غرامت عبارت است از: جبران مالی مناسب و کافی برای قراردادن بیمه گذار بعد از وقوع حادثه درست در همان موقعیت مالی که وی قبل از وقوع حادثه از آن بهره مند بوده است. بر اساس این اصل بیمه گذار حق دارد تا میزانی که زیان دیده است غرامت یا تاوان را درخواست نماید و او نمی تواند عقد بیمه را وسیله ای برای بردن نفع بیش تر قرار دهد لذا اگر بیمه گذار مالی را اضافه بر قیمت واقعی آن با قصد تقلب بیمه نماید عقد بیمه باطل بوده و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نخواهد بود. ماده ۱۱ قانون بیمه در این خصوص بیان می دارد: «چنانچه بیمه گذار یا نماینده او با قصد تقلب مالی را اضافه بر قیمت عادله در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست.»

در توجیه فلسفه بطلان چنین عقد بیمه ای باید گفت قبول بیمه به قیمتی بیش از ارزش واقعی آن می تواند موجب اغوا و تحریک بیمه گذار در ایجاد خسارت عمدی شود.

۳-۳-۳-۳- بیمه ی خطر پیش از عقد واقع شده

همان گونه که می دانیم خطر موضوع بیمه واقعی و اتفاقی احتمالی است که منشأ ایراد خسارت می شود. جنبه ی اتفاقی بودن بیان گر آن است که ریسک توجه به وقوع حوادث در آینده دارد. لذا حوادثی که قبلاً تحقق یافته اند به علت آن که احتمالی بودن در آن ها معین است قابل بیمه نیست.

بنابر آنچه در فوق بیان شد، در صورت بطلان قرارداد بیمه بر اساس ماده ۱۰ قانون بیمه ی اجباری ۱۳۸۷ صندوق تأمین خسارت های بدنی مکلف به جبران زیان های اشخاص زیان دیده می باشد.

۴-۳-۳-۳- کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، قانونگذار طی یک اقدام بی سابقه در تبصره ماده ۵۵۱ این قانون مقرر نمود: «در کلیه جانیاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی تأمین می شود». این تبصره تکلیف و تعهد جدیدی را بر عهده ی صندوق تأمین خسارت های بدنی نهاده است که در مقایسه با تعهدات نهادهای مشابه آن در کشورهای دیگر، امری بدیع به حساب می آید. چراکه در کشورهایی چون فرانسه و انگلیس صندوق مستقل دیگری از صندوق تأمین خسارتهای بدنی جهت جبران چنین خسارتهایی تاسیس گردیده است.

یکی از مباحث مورد مناقشه در حقوق ایران از دیرباز بحث عدم تساوی دیه زن و مرد در بوده است بدین توضیح که براساس احکام اسلامی دیه نفس زن نصف دیه مرد تعیین شده، به همین خاطر در بحث قتل عمدی زن توسط مرد، ولی دم (زن) باید جهت اجرای قصاص، نصف دیه کامل را به قاتل مرد بپردازد. همچنین در جنایات مادون نفس نیز یعنی جنایت وارد بر اعضا اگر چه دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است لیکن چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل پیدا می کند.

در ماده ۵۵۰ قانون جدید مجازات اسلامی دیه قتل زن، نصف دیه مرد تعیین شده است اما متعاقباً مقنن در تبصره یک ماده ۵۵۱ این قانون در اقدامی بی سابقه هم راستا با اصول مقرر در قانون اساسی و همچنین موازین حقوق بشری مقرر داشته است: " در کلیه جانیاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می شود" بدین ترتیب می توان گفت مقنن با وضع این تبصره عملاً و قانوناً به نوعی برابری دیه زن با مرد را در قتل نفس پذیرفته است.

البته باید توجه داشت که این پرداخت تحت عنوان "معادل" تفاوت دیه تا سقف دیه مرد صورت می پذیرد و به عبارت دیگر این مقدار دیه به معنای اخص تلقی نگردیده و به همین خاطر آثار دیه از جمله تغلیظ در ماه های حرام بر آن مترتب نخواهد بود.

از سوی دیگر مستندا به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۱۱ تاریخ ۹۲/۶/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه اطلاق ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره آن شامل دیه کلیه جنایات اعم از عمدی (که در موارد خاص قصاص منتفی و دیه تعلق می گیرد) و غیرعمدی است. اما در خصوص نحوه چگونگی پرداخت آن چون مقررات مدونی تصویب نشده است، اصلح است که مراتب را از صندوق تأمین خسارتهای بدنی پرسش نمایند.

رویه عملی صندوق در اجرای تبصره ی مزبور بدین شکل است که با صدور رای دادگاه مبنی بر پرداخت مابه التفاوت دیه زیان دیدگان زن تا سقف دیه ی مرد، با مراجعه زیان دیده و تشکیل پرونده ، مبالغ مزبور به زیان دیده پرداخت می گردد اما باید توجه داشت که این تبصره تنها شامل مواردی است که پس از تصویب قانون جدید مجازات مصوب ۹۲ ، دچار حادثه گردیده اند ، چراکه این تبصره به جهت اینکه در راستای حمایت از زیان دیده و نه متهم وضع گردیده، عطف به ماسبق نمی شود فلذا صندوق در خصوص زیان دیدگان حوادث و جرایم پیش از تصویب قانون مجازات ۹۲ ، مسؤلیتی بر عهده نخواهد داشت.

از جمله دیگر مواردی که با وضع ماده ۵۵۱ و تبصره ی آن محل اختلاف حقوقدانان قرار گرفت، اعمال این تبصره در خصوص جنایات مادون نفس یعنی جنایات وارد بر اعضا بود.

چراکه از یک سو ماده ۵۵۱ در باب دیه نفس و نه در باب کلیات ذکر شده بود و از سوی دیگر ماده ۵۶۰ قانون مجازات در باب دیه اعضا بیان می داشت: " دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است، و چنانچه ثلث یا بیشتر شود، دیه زن به نصف تقلیل می یابد." به همین خاطر عده ای بر این باور اند که باتوجه دلایل مذکور اعمال تبصره ی ماده ۵۵۱ تنها در خصوص دیه نفس امکان پذیر است و در مواردی که بحث دیه اعضا و منافع مطرح می گردد، این تبصره قابل استناد نمی باشد.

اما به نظر میرسد این استدلال چندان هم صحیح نیست چراکه تبصره ۵۵۱ مطلق گفته شده و می تواند در باب دیه نفس و همچنین دیه اعضا مورد استناد قرار گیرد علاوه بر اینکه با پذیرش جبران معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد در دیه نفس به قیاس اولویت می بایست اعمال این تبصره را در دیه مادون نفس یا همان دیه اعضا و منافع نیز پذیرفت و عنوان کردن تبصره مزبور در باب دیه نفس می تواند از باب بیان غلبه و یا اهمیت بیشتر دیه نفس نسبت به دیه اعضا بوده باشد.

و اما در خصوص حوادث رانندگی وضع تاحدودی متفاوت است چراکه مقنن از سال ها پیش با تصویب قانون بیمه اجباری ۸۷ در تبصره ۲ ماده ۴ ، بیمه گر را مکلف به جبران خسارت زیان دیده بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه نامه نمود و به این ترتیب تفاوتی میان بیمه گذاران از حیث جنسیت وجود نداشت و چنانچه زنی در اثر حادثه ی رانندگی که راننده ی وسیله نقلیه مرد بود فوت می نمود، شرکت بیمه مکلف بود بدون لحاظ جنسیت زن، معادل یک دیه کامل مردمسلمان را به اولیای دم وی از محل بیمه نامه پرداخت نماید و بیمه گر نمی توانست با استناد به اینکه دیه زن نصف دیه مرد است از بار مسؤلیت شانه خالی نماید. قانون جدید بیمه اجباری نیز در این خصوص در ماده ۱۰ اینگونه بیان میدارد: " بیمه گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند."

به این ترتیب می توان گفت در حوادث رانندگی با توجه به اینکه مقنن بیمه شخص ثالث را ، اجباری و از سویی پرداخت خسارت از محل بیمه نامه را بدون لحاظ جنسیت، تعیین نموده است، بنابراین پرداخت دیه نفس چه در خصوص مجنی علیه زن و چه مرد ، معادل یک دیه ی کامل مرد مسلمان می باشد و اصولا بحث تبصره ماده ۵۵۱ در این موارد منتفی است مگر اینکه وسیله نقلیه مسبب حادثه فاقد پوشش بیمه نامه باشد که در این فرض مبالغ پرداختی از جانب صندوق تا نصف دیه مرد مسلمان که به قائم مقامی از مقصر به زیان دیده پرداخت میگردد، قابل بازیافت خواهد بود ولیکن معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد، مستندا به بند ۴ تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری، در راستای اجرای تبصره ۵۵۱ قانون مجازات، قابل بازیافت از مقصر حادثه نمی باشد.

و در آخر اینکه با توجه به تصویب تبصره ۵۵۱ قانون مجازات که موخر بر تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری در سال ۸۷ بود این سوال به وجود آمد که آیا تبصره ۵۵۱ قانون مجازات، تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری را تخصیص زده است یا خیر ؟ به عبارت دیگر در قانون بیمه اجباری پرداخت خسارت بدون لحاظ جنسیت بر عهده ی بیمه گر قرار داده شده بود در حالیکه در تبصره ۵۵۱ پرداخت معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد بر عهده ی صندوق تأمین گذارده شده است و چون قانون مجازات مصوب ۹۲ نسبت به قانون بیمه اجباری ۸۷ ، قانون موخر به حساب می آمد این سوال مطرح شد که آیا تبصره ی مزبور مخصص قانون بیمه اجباری است یا خیر و آیا در حوادث رانندگی پرداخت تفاوت دیه زن و مرد بر عهده ی صندوق است یا خیر؟ در پاسخ این پرسش اداره حقوقی قوه قضائیه، طی نظریه مشورتی این گونه پاسخ داد که تبصره یاد شده مربوط به جنایات مقرر در این قانون است و نه تنها نسخ تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه ی

اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی نیست بلکه در مقام گسترش دایره شمول آن مقررات بوده و آن را به غیر از حوادث رانندگی نیز تسری داده است .

در قانون جدید بیمه اجباری نیز مجدداً در ماده ۱۰ پرداخت خسارت بدون لحاظ جنسیت تا سقف تعهدات بیمه نامه بر عهده ی شرکت بیمه گذارده و در بند ۴ تبصره ۱ ماده ۲۵ به پرداخت ما به التفاوت دپه شرعی با مرد مسلمان اشاره شد که این امر تاییدی بر نظریه ی مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۰۰ می باشد .

عنوان دیگری که در ماده ۱۰ قانون سابق پیش بینی شده ولیکن در ماده ۲۱ حذف گردید، تعلیق تأمین بیمه گر است تعلیق تأمین بیمه گر بدین معناست که بیمه گر به علل عدم پرداخت حق بیمه از سوی بیمه گذار، اثر حمایتی خود را از بیمه گذار معلق نماید. هر گاه بیمه گر به علت تأخیر بیمه گذار نسبت به پرداخت قسط حق بیمه در سررسید مقرر یا عدم انجام آن تأمین خود را به حالت تعلیق درآورد. بیمه گر متعهد به جبران خسارت های واقع در زمان تعلیق نیست و اگر بیمه گذار در دوران تعلیق خسارتی به اشخاص ثالث وارد نماید در تعهد بیمه گر نخواهد بود.

تعلیق تأمین بیمه گر را باید ضمانت اجرای عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار دانست. (همان) اگرچه قانون حکم خاصی در این زمینه بیان نکرده است ولی با رجوع به اصول کلی مربوط به عدم پرداخت و عدم انجام تعهدات قراردادی مقرر در قانون مدنی این نتیجه بدست می آید. همان گونه که می دانیم عقد بیمه عقدی معوض است و مقتضای چنین عقود ایجاب می نماید که هر کس در برابر کار یا عوضی که پرداخت می کند معوض را دست آورد. نتیجه ی عدم دستیابی به چنین هدفی تعلیق تأمین بیمه گر و رهایی او از تعهد به جبران خسارت در صورت وقوع حادثه است .

بنابراین در عمل شرکت های بیمه به هنگام انعقاد قرارداد بیمه ی اجباری با گنجانیدن شرط تعلیق از حق قانونی خود مبنی بر دریافت حق بیمه از بیمه گذار حفاظت می نماید. مضمون این شرط به این صورت است که بیمه گر مجاز است به علت تأخیر بیمه گذار در پرداخت حق بیمه و یا اقساط آن در سررسید معین تأمین خود را به حالت تعلیق درآورد. بنابراین در صورتی که به علت عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار، بیمه گر حمایت و تأمین خود را نسبت به وی معلق کرده باشد، صندوق تأمین خسارت های بدنی مکلف به پرداخت خسارت های جانی وارد به زیان دیدگان خواهد بود اما از آنجاکه صندوق تعهدی به جبران خسارت های مالی زیان دیدگان ندارد، برای آنان چاره ای جز رجوع به مسبب حادثه بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی وجود ندارد.

در قانون جدید البته تعلیق تعهدات بیمه گر رد شده است. بر اساس ماده ۱۱ قانون جدید، درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلا اثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت نامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت نامه ای بلا اثر است.

۵-۳-۳- شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه

مواردی پیش می آید که تصادف موجب خسارت بدنی دیگران می شود و عامل زیان بر خلاف اصول اخلاقی به جای کمک و نجات مصدوم، راه فرار را در پیش می گیرد . در این گونه موارد چون بیمه گذار و مسئول حادثه نامعلوم است و بیمه گر نمی داند که از محل کدام بیمه نامه به جبران خسارت بپردازد ناچار باید مرجعی برای تأمین زیان های وارد شده به مصدوم وجود داشته باشد.

این فرض به ویژه هنگامی رخ می دهد که وسیله ی نقلیه موجب حادثه از صحنه تصادم می گریزد و زیان دیده ثابت می نماید که مسئول منحصر حادثه، وسیله متواری است . از آنجا که هدف وضع قانون بیمه ی اجباری حمایت از اشخاص زیان دیده و جبران خسارت های وارد به آن ها در نتیجه حوادث رانندگی است، لذا نباید به دلیل شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، خسارت های وارد به آن ها جبران نشده باقی بماند. از این رو به حکم ماده ۲۱ قانون مزبور صندوق تأمین خسارت های بدنی به عنوان مرجع ترمیم این زیان ها معرفی شده است.

لازم به ذکر است عنوان مطروحه در ماده ۱۰ قانون ۸۷ با آنچه که در این خصوص در ماده ۲۱ قانون ۹۵ بیان شده متفاوت است توضیحا آنکه در ماده ۱۰ قانون سابق به فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه اشاره شده بود در حالیکه قانون ۹۵ در ماده ۲۱ با حذف عنوان فرار کردن و تغییر عنوان شناخته نشدن مسئول حادثه، به شناخته نشدن وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه ، ابهامات موجود در این خصوص را برطرف نمود.

پیش از تصویب قانون ۹۵ و به عبارتی اصلاح ماده ۱۰ قانون سابق، این ماده منجر به ایجاد دو ابهام گردیده بود اول آنکه چه تفاوتی بین عنوان فرار کردن و شناسایی نشدن مسئول حادثه وجود دارد چراکه در نهایت فرار کردن نیز منجر به عدم شناسایی مسئول حادثه می گردید و دوم آنکه منظور از مسئول حادثه چیست به عبارت دیگر منظور از مسئول حادثه ، وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه است و یا راننده ی مسبب حادثه ؟

اهمیت کاربردی این امر در پرونده هایی نمود داشت که در آن وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه به هر نحو ، مثلاً راننده وسیله را در صحنه ی حادثه رها کرده و خود متواری شده ، شناسایی گردیده بود ولیکن راننده ی مسبب حادثه مشخص نبود که در این حالت با توجه

به ماده ۱۰ قانون ۸۷ عده ای این فرض را مطرح نمودند که منظور از مسئول حادثه در این مورد در واقع شخص راننده است فلذا در مواردی که حتی وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه شناسایی می گردید ولی راننده مشخص نبود ، این مورد مشمول تعهدات صندوق تامین خسارتهای بدنی تلقی میشد. لازم به ذکر است این فرض در صورتی مطرح می شود که وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه، فاقد پوشش بیمه نامه باشد چراکه اگر وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه دارای پوشش بیمه نامه باشد جبران خسارت می بایست از محل بیمه نامه ی این وسیله صورت گیرد و نباید به اشتباه پنداشت که در هر مورد که راننده شناسایی نمی گردد، جبران خسارت بر عهده ی صندوق تامین خواهد بود بلکه در مواردی که وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه شناسایی می گردد و این وسیله دارای پوشش بیمه ای می باشد مستندا به تبصره ۲ ماده ۱ قانون ۸۷ در هر حال خسارت وارده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد و اصولا در فرضی که وسیله ی نقلیه مسبب حادثه دارای بیمه نامه است این امر که راننده ی وسیله مزبور چه شخصی بوده است رافع تکلیف و مسئولیت شرکت بیمه نمی باشد و اما با تصویب ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری در سال ۹۵ ابهام موجود در این خصوص برطرف شد چراکه در این ماده عنوان فرار کردن حذف گردید و عبارت شناخته نشدن مسئول حادثه به شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه ، تغییر یافت.

با این تغییر کاشف به عمل آمد که منظور از مسئول حادثه در حقیقت همان وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه است و نه راننده ی مقصر و به عبارت دیگر می توان گفت قانون بیمه اجباری در حقیقت قانونی وسیله محور است و نه شخص محور فلذا در مواردی که وسیله ی نقلیه مسبب حادثه به هر نحو شناسایی گردد با دو فرض رو به رو هستیم اول آنکه وسیله ی شناسایی شده دارای پوشش بیمه نامه باشد که در این صورت ، جبران خسارت وفق بند الف ماده ۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ ، بر عهده ی بیمه گر می باشد و فرض مسئولیت صندوق تامین در این مورد منتفی است حتی اگر راننده ی وسیله ی مزبور به هر دلیل شناسایی نگردد: در همین راستا بند الف ماده ۴ این قانون بیان می دارد: " الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت های وارده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه گر و مسبب حادثه طرح می کند. این حکم، نافی مسؤولیت های کیفری راننده مسبب حادثه نیست. تا جایی که حتی در ماده ۱۵ با عنوان کردن مواردی چون اثبات عمد راننده ی مسبب حادثه ، رانندگی در حالت مستی ، استعمال مواد مخدر ، روان گردان ، فقدان گواهی نامه رانندگی یا حتی گواهی نامه متناسب با نوع وسیله نقلیه و فرض سرقت وسیله نقلیه مسبب حادثه و ایجاد حادثه را بر عهده ی شرکت بیمه قرار داده است تنها با این تفاوت که در این موارد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت حق رجوع به راننده ی مسبب حادثه را خواهد داشت.

و اما فرض دوم آنکه وسیله نقلیه مسبب حادثه شناسایی گردد ولیکن این وسیله بر خلاف تکلیف قانونی که بر عهده ی مالک - متصرف گذاشته شده، فاقد بیمه نامه باشد ، که در این مورد دو امکان وجود دارد اول آنکه راننده مقصر حادثه نیز شناسایی گردد که در این فرض مستندا به ماده ۲۵ این قانون مقصر حادثه فاقد بیمه نامه می تواند در صورت تمایل به صندوق تامین مراجعه نماید و بدیهی است که مبالغ پرداختی در این مورد به مقصر حادثه توسط صندوق، قابل بازیافت و ریکآوری خواهد بود. (بند الف ماده ۲۵ ق ب ا) و اما فرض دوم این است که علی رغم شناسایی وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه که فاقد پوشش بیمه نامه نیز می باشد، راننده ی آن به هر دلیل شناسایی نگردد که در این فرض دو استدلال مطرح است اول آنکه با توجه به اینکه مالک وفق قانون مکلف بوده وسیله نقلیه را بیمه نماید لذا اکنون ضمانت اجرای عدم بیمه کردن وسیله ای که مسبب حادثه شده ، این است که جبران خسارت بر عهده ی مالک باشد هرچند که وی مباشر ورود خسارت به زیان دیده نبوده ولیکن تعهدی قانونی ناشی از بیمه اجباری بر عهده ی وی ثابت است و زیان دیده حق دارد به مالک مراجعه نماید که در این صورت مشخص است که صندوق تامین در این مورد مسؤولیتی نخواهد داشت.

و اما استدلال دیگری که به ذهن می رسد آنکه ضمانت اجرای عدم بیمه کردن وسیله ی نقلیه ی مسبب حادثه جریمه ای است شبیه به آنچه در بند پ ماده ۴ این قانون برای مالک تعیین شده است و نه جبران خسارتی که توسط دیگری وارد شده است علاوه بر اینکه در حقوق کیفری اصل شخصی بودن جرم و مجازات و همچنین اصل براءت این استدلال را تقویت می نماید و در این مورد نمی توان عرفا وقوع بزه ارتكابی را به مالک نسبت داد. به همین خاطر باید گفت این فرض نیز بر عهده ی صندوق تامین خسارتهای بدنی قرار می گیرد.

۳-۳-۶- صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر

همانگونه که می دانیم معاملات بیمه ای بر اساس بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت از جمله معاملات تجاری محسوب می شود. از آنجا که بر اساس ماده مزبور هر شخصی که به انجام «عملیات بیمه بحری و غیر بحری» مبادرت ورزد تاجر محسوب می شود، لذا شرکت های بیمه را باید نمونه ای از اشخاص حقوقی تاجر به حساب آورد. به همین دلیل در صورتی که بیمه گر از پرداخت دیون خود متوقف شود حکم به ورشکستگی وی صادر خواهد شد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت در این خصوص بیان می دارد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده ی اوست حاصل می شود.»

پس از صدور حکم ورشکستگی آزادی تاجر در اداره اموالش محدود می‌شود. این حکم دارای اثر عام است. در این خصوص ماده ۴۱۸ قانون تجارت اذعان می‌دارد:

«تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.»

بنابراین تصفیه امور ورشکستگی با مدیر تصفیه است. ماده ۵۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری در این خصوص بیان می‌دارد: «در صورتی که ورشکستگی یک مؤسسه بیمه اعلام بشود دادگاه مکلف است قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم نظر بیمه مرکزی ایران را جلب نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتباً به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.»

بنابراین ماده، تصفیه امور ورشکسته را اداره تصفیه امور ورشکستگی با نظر و همکاری بیمه مرکزی ایران به عمل می‌آورد. بنابر آنچه گذشت چنین نتیجه می‌گیریم که هرگاه قرارداد بیمه‌ای اجباری دارای اعتبار بوده اما بیمه‌گر به علت صدور حکم توقف و یا ورشکستگی توانایی پرداخت خسارت به زیان دیدگان را نداشته باشد، افراد زیان‌دیده بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه‌ای اجباری حق مراجعه به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را خواهند داشت.

تفاوت قانون جدید در مقایسه با قانون ۸۷ در این مورد اضافه نمودن حکم توقف به ماده ۲۱ این قانون بود چراکه در قانون قبل تنها به صدور حکم ورشکستگی اشاره شده بود و در خصوص حکم توقف با سکوت قانونی رو به رو بودیم که خود منجر به ایجاد ابهاماتی در این خصوص گردیده بود که با اضافه شدن حکم توقف به این ماده، ابهامات موجود رفع شد.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر به بررسی این سوال اساسی پرداخته است که مسئولیت مدنی مبتنی بر عدالت توزیعی در حقوق ایران چه جایگاهی دارد؟ یافته های تحقیق نشان داد در چندین مورد می توان به مصادیقی از عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران دست یافت. در نظام حقوقی ایران در بعضی موارد مسئولیت مدنی بدون تقصیر به عنوان مصداق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نظام مسئولیت مدنی بدون تقصیر، زیان دیده برای مطالبه خسارات خود نه نیازی به اثبات تقصیر دارد و نه در دسته ی زیان های غیر قابل انتساب به دولت حتی اثبات رابطه ی بینیت بین فعل زیانبار و وقوع ضرر را لازم دارد. براین اساس شاید بتوان مهمترین مبنا را در مسئولیت بدون تقصیر، برقراری عدالت توزیعی و حمایت از زیان دیده دانست. اصلی ترین ملاک به جهت برقراری این مسئولیت همانا برقراری تأمین اجتماعی، اجرای عدالت و رعایت انصاف است. این نظریه در قانون ایران نیز به چشم می خورد. مسئولیت صندوق تأمین خسارت بدنی مصداق بازر مسئولیت بدون تقصیر است. در واقع، تأسیس صندوق تأمین خسارت بدنی را بر مبنای نظریات جدید مسئولیت بدنی به خصوص عدالت توزیعی نیز می توان توجیه کرد. در عدالت توزیعی هدف آن است که ضرری که از بابت ورود خسارت به زیان دیده وارد می شود، بین اعضای جامعه پخش شود تا آثار نامطلوب جبران آن به دلیل نزولی بودن مطلوبیت نهایی پول کمتر مشاهده شود. در عدالت توزیعی زیان های ناشی از حوادث به عنوان جزئی از زندگی مشترک اجتماعی تلقی شده که باید به طور جمعی با آن برخورد گردد.

یکی دیگر از ابعاد عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی تعیین درجه تقصیر است. در حقوق موضوعه ایران ، ماده ی اول قانون مسئولیت مدنی درصدد ایجاد یک قاعده کلی بوده است. بنابراین مقررات خاص قانون مدنی از قبیل ماده ی ۳۲۸ و ۱۲۱۶ ق.م.م همچنان به قوت خویش باقی است، به عبارت دیگر اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به عنوان یک قاعده ی عام در ماده اول ق.م.م پذیرفته شده است و کماکان این اختیار در دست قانونگذار است که در موارد معین، قواعد مسئولیت عینی را تأسیس نماید و بطور قطع این یک مسئولیت استثنائی است و تا جاییکه بتوان از نظریه ی تقصیر و مفهوم اجتماعی آن استفاده کرده و در پاره ای از موارد مشکلات را با فرض تقصیر و امارات تقصیر حل نمود، کنار گذاشتن آن شایسته نیست.

مراجع

- [1] Albiges, christophe, del'equiteendroiteprive (bibliotheque en droitprive), French edition, 1 janvier ,2000.
- [2] Clarke, Jonathan, Contributory Negligence in PI Claim, www.oldsquare., 2010.
- [3] Dobbs, Danb, The Law of Tort, West Group, USA, 2000, p;506.
- [4] Dugdale, A.M, The Civil Liability(Contribution) Act 1978, The Modern Law Review,V.42, no.2, March 1979
- [5] Dugdale, A.M. 1979, The Civil Liability(Contribution) Act 1978, The Modern Law Review,V.42, no.2, March 1979
- [6] Dugdale, Tony, Contributory Negligence applied to Economic Loss: Plat formHome Loans and Fancy and Jackson, The Modern Law Review, V.62, No.2.,1999.
- [7] Fleming, John G, Law of Tort, 4 the edition, Law Book Co,1971. Limited, Australia.5.Honore', AM, Encyclopedia of Comparative Law, V.XI, chapter, Causation andRemoteness of Damage.,1975
- [8] Fleming, John G, Law of Tort, 4 the edition, Law Book Co. Limited, Australia.5,1971.
- [9] Honore', AM, Encyclopedia of Comparative Law, V.XI, chapter, Causation andRemoteness of Damage.,1975
- [10] Honore', AM, Encyclopedia of Comparative Law, V.XI, chapter, Causation andRemoteness of Damage,1975, p; 123.
- [11] Kikel, David, Comparative Negligence, Multiple Parties and Settlements, California Law Review, V.65.,1977 Curran, Christopher, The Spread of the Comparative Negligence Rule in the UnitedStates, International Review of Law and Economics, V.12.,Issue3.1992
- [12] Lunney,Mark & oliphant, ken: "Tort Law" Textand materials, Oxford, university pree,2000.
- [13] Mazeud (Henri, Leon et Jean),1969, Lecons de droitCivil, t.II volume premier, obligation 4e ed, par Michel de Juglart6e ed, par F.chabas, paris,1978.
- [14] Payne, Douglas, Reduction of Damages For Contributory Negligence, The ModernLaw Review, V.18, No.4,1955.
- [15] Prosser, William, Comparative Negligence, California law Review, V.41, No. 1, Spring 1953.

[16] کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: چاپ اول، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲

[17] حسینی نژاد، فرضیه خطا و خطر و رای هیئت عمومی دیوان کشور. نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. دوره ی دوم. شماره ۱، ۱۳۶۶

[18] صانعی، یوسف، استفتائات قضایی ، جلد یکم ، کلیات قضا- جزائیات ، تهران : نشر میزان ، چاپ اول، ۱۳۸۴

[19] کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، ج ۱، چ ۴، ضمان قهری، دانشگاه تهران ، ۱۳۸۴

- [20] نبوی زاده، آیت الله ، سوء استفاده از حق در حقوق قراردادی، انتشارات جنگل ، ۱۳۸۰.
- [21] کاتوزیان، ناصر. دوره ی مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی). چاپ اول. تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۱.
- [22] درودیان، حسنعلی، جزوه مسئولیت مدنی، دوره کارشناسی، بی ناشر،
- [23] قاسم زاده، مبانى مسئولیت مدنى، تهران، چاپ پنجم، نشر میزان، بهار ۱۳۸۷
- [24] گزارش حقوقی علمی ، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی، پژوهشکده ریاست جمهوری ، سال ۱۳۸۴
- [25] بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸.
- [26] کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: چاپ اول، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه تهران، ش ۳۰۷، ۱۳۸۲
- [27] وحدتی شبیری، سید حسن، مبانى مسئولیت مدنى قراردادی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵
- [28] قاسم زاده، سید مرتضی. و دیگران، تفسیر قانون مدنی، اسناد، آراء و اندیشه های حقوقی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- [29] بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷
- [30] افشار، حسن، بیمه شخص ثالث و حقوق شهروندی، انتشارات نشر اندیشه عصر، ۱۳۸۹
- [31] کریمی، آیت، بیمه اموال و مسئولیت، دانشکده امور اقتصادی، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- [32] امینی، منصور، خروش، عبدالعظیم، حکم متعهد بیمه گذار در ارائه اطلاعات مؤثر بر انعقاد و عقد بیمه، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۱۳۸۷، ۱
- [33] پاول، آلن، بیمه های مسئولیت، ترجمه علی اکبر رئیسه، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۸۱
- [34] محمود صالحی، جانعلی، حقوق زیاندیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴
- [35] کریمی، آیت، کلیات بیمه، بیمه مرکزی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴
- [36] بابایی، ایرج، حقوق بیمه، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۶
- [37] بو، روژه، حقوق بیمه، ترجمه محمد حیاتی، بیمه مرکزی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۳
- [38] غمامی، مجید، تحول حقوق فرانسه در زمینه حوادث رانندگی، در تحقیق مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ، ۱۳۸۰
- [39] اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت کلیات: معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۲
- (ب) منابع عربی:
- [40] الجمعى العالمی، ز. معروف به شهید ثانی؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. با تعلیقات سید محمد کلانتر، الجزء الرابع، المکتبه العلمیه الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹

[41] فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. جلد چهارم. قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۷

[42] هانی (فاضل هندی)، محمد، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام ، جلد های ۷ و ۱۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ اول، ۱۴۱۶